

دقت تو فیح کو تاھی بدھم در باره راس هرم بود و ولزی در دوره ۱۰۰ در راسی هر بود و ولزی غیر از بالاترین  
 لایه بود و ولزی که جنبه انحصاری داشت و به لحاظ تکامل تاریخی رشد یافته ترین لایه بود و ولزی بود (البته با درجیات  
 مختلف رشد) لایه های دیگر نیز وجود داشتند به لحاظ سرمایه متمرکزی که در دستند جز ~~و~~ <sup>در</sup> ~~دوره~~ <sup>دوره</sup> ~~تاریخی~~ <sup>تاریخی</sup> لایه آنتی  
 در لایه هم قرار داشتند این نیرو که سرمایه اشغال فوق العاده متمرکز شده بود و هنوز به اوج انحصاری نرسیده  
 بود در دست زحمتی بیاری و در کمره با کله متمرکز شده بودند یعنی غیر از نظر رشتن صورتی که بالاترین لایه بود و ولزی  
 را فقط به لحاظ تکامل تاریخی آن تو فیح میدادند انبساط و متمرکز سرمایه را هم تا دیدار نظر گرفت. خوب  
 دوره ایران در پیرامون سال ۵۴ خورشیدی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 به خصوص فعالیت سرمایه و دیگر چیز این حد انبساط سرمایه. در زمان ۱۰۰ در راس بازار ایران  
 راسی از بود و ولزی بیاری قرار داشتند که بعضی کاملاً وابسته و بعضی با وابستگی کمتر اینها پس از انقلاب  
 تا قریب ماندند. همراه لایه های غیر انحصاری بود و ولزی وابسته.

انقلاب گروهبندی که سرمایه را حاکم بر یک زیر کشید و پس از این بود و ولزی که تا قریب ماندند و همراه لایه های  
 راسی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 ما نظریه داریم که بعضی صورتی این را کردند هیچ ضرورتی ندارد که جهت تبدیل شدن این بود و ولزی به بود و ولزی  
 (میلادی) تبدیل به بود و ولزی با راسی، در نتیجه یک تحول سیاسی هم امکان تبدیل بود و ولزی به بود و ولزی  
 راسی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود

هر چه که این از انقلاب به قدرت رسید بعضی بود و ولزی و ولزی تا همگونی از خوره بود و ولزی تا لایه های مختلف بود و ولزی  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود

در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود  
 در این زمان بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود و ولزی (میلادی) بود

اینکه آیا با جبهه انقذاب و ضد انقذاب را در دست تفحص داریم و در جای درستی در جای انقذاب قرار داریم  
 و نه بنظر آید جبهه انقذاب را در دست تفحص داریم. ضمناً که حکومت را باید غیر از نهانندگان بود و دراز  
 و در آن و نفوذی که در مجموع دارای خصوصیات ضد امپریالیسم بود با فضا انقذاب نیروی که خوار از  
 بطاعت عدالت آنها می منتفع از حاکمان بودند. همین در مرحله از این نیروها در مقابل نیروهای راست را تسخیر احاطه  
 کرد. پس دلیل شخص غنی را مستر آن هزاره نمایند. بود و دارای ارتکابی داشت. اینکه ما در مرحله ای  
 جدال بین دو خط متضاد را در حکومت مطرح کردیم از این جهت درست بود و بیرون از جانب نیروهای ترقی  
 را گرفتیم. از این خط می می باید این اعتبار درست بود که از گرایش ت ضد امپریالیسم و هر دو جهت است  
 ما مستر انیم از این خط می می باید از این جهت سوال ببریم و اوستیت خلاف این بود. و اوستیت از  
 بود که همین در مرحله در این نیروها ضد امپریالیسم قرار داشت و بیرون از آن می می بود.

انتقاد عمیق ما چند وقت بود. اول اینکه تفحص قرار داریم که جناح قدرتمندی در درون خط انک وجود  
 که بود و اوستیت ما خط انک را عمدتاً حاکمان مبارزه ضد امپریالیسم و دارای خصوصیات مرکزی است  
 در صحنه در درون آنان نیروهای فراکن سازش با امپریالیسم و جهت ضد امپریالیسم در دست  
 هستند و دیگر ما این بود که رابطه قوی فنو را با خط انک هم در داریم. خود همین در بر خورد با فنو را امپریالیسم  
 بزرگ و منزه از دارای خطی می غلط کارانه بود و نظرات او با سطوح و دینش در این تفصیر که  
 آشکار می بوده است. آنرا بهراتیب در زمینه اعتقادی و راه نظرات و از کجوال تری بود و  
 انتقاد دیگر ما در بر خورد با نیروهای چپ انقذاب (عملاً از گروهی مارکسیست و یا سازمان می هودین فنو را  
 یک نیروی ضد امپریالیسم بود. ما مسئله (تجدید این نیروها ما استراتژیست زدیم. ما با اعتبار از این  
 می ای که از خط بیرون همین راستیم و با اعتبار استیلاست این گروه از طرف دیگر می غلط را در بر  
 هم با گروهی چپ و هم با سازمان می هودین فنو در پیش گرفتیم.

همین هیئت فراکن تعرض عدلی سرماج. فراکن محدودیت قیدی سرماج. دارای نبود و در عمل امکان دارد  
 که آنرا به غارت بیسابقه ای (جداتل در حیات انقذاب می ای را بیسابقه) در این نیز نند بود و دراز  
 از آن خصوصاً بر و دراز می بهر در عرض چند سال پس از انقذاب چیزی که هر چه بود.

صیقل در کتب نزد چنین در اهل بعد به این نیز در امکان میدهد که نه تنها در عرض اقتدار  
 بلکه در عرض بیای، در کتب نیز مواضع خود را مستقیم کنند. البته من این اتفاق در اندازم که چنین  
 از همان روزهای اول پس از انقلاب که سر به ناوردی آن بسته بود، ولی نه تنها لای حقوق بلکه حتی  
 لای که از یوردر داری و این بر سرش رسیده که اگر نه فعالیت خود را به کشور با سر و دست می بودیم که  
 منتقل کرده بودند و مانند کسی که از کارهای او بیرون است (از جمله سلاح و ملات و ملات  
 رابطه و مورد در است. این رابطه هم بین دولت جدید و اسلامی با این صورتها بود هم بین کتب  
 و این یوردر و آن بود. به این صفت و نظایر سایر موارد و این حاکم در ایران، این امر این است  
 تا به یوردر بود.

از همه درگاه و پرده امور صفتی که من آن را در این زمان در کمال خود در روزی نسبت به خود یک روز  
 صیقل داده و پس از آن که حیدر علی خان در سرهای در این کشور گشته و در با اطلاع چشم  
 در وقت او به کنایه است شده. این مسئله قبل از ماه ۵۱ بود که چنین در دوران  
 پس از آنکه در این زمان به جانب خود را در این وقت  
 به این نسبت به سرهای ماضی بوده که در سرهای در این نه تنها استند و نه مستند استند در هر دو  
 قهر با کند که در قرض به عرض آن که در صفت و آنجا که گرانند این بیرون استند که در  
 رفت است. این تراکم سرهای ماضی است که در آن زمان را در سرهای هم بیشتر در

در این روزها و دوره در تقابل بود با باید جانب نیروی جدید فروش را مستقیم است، به وقت لا  
 به مستقیم به کورنیتر و نیروی ترسناک دیگر امکان فعالیت میداد که آنوقت در تقابل خوار  
 این نسبت به خود روزی که قدرت ماضی زنده بیدار کرده و در آن زمان به سر بیشتر بود در استند  
 و از آنجا که بین تمایزات طبقاتی و جنبش اجتماعی ضعیف با نیروی جدید فاصله کمتری وجود داشت  
 دوره نیز نسبت به نیروی که راستتر و پادشاهی گرفت چنین از یوردر و از هر یک از ضیاع از باقی  
 کمترین صفت کرد. چنین چه به کما و احتمالات مذهبی و چه به لحاظ طبقاتی نیز یکی بیشتر  
 و این نیروی افکند کرد. نبرد روحیه در حکومت به نسبت ضایع طرفداران نیز در ماکا  
 و در این سرهای در این زمان به کمال خود رسیده است این جریان است که

در این دولت در حکومت بیرون جناح آبی تمسک بر پیشوازی یا بلکه بر عین بیرونی نیز بر او است  
 از آنجا که با بیرونی نه عوانه عدالت اقامه می کنند هنوز عریان دارند. و این تفاوت که تفاد  
 اصلی را در حکومت امروز دیگر نه تفاد بین دو چیز است یکی خزان عدالت اقامه می و در  
 خزان لبط مناسبت سرسبز را می است. جریان حاکم در راهی همیشه نه حضرتیت مشهور  
 نیست که تبرک از سیدی به تحول مثبت در اولی. جناح ارتجاعی حاکم سیدی است در وقت  
 تحولات اقامه می. او نه تنها خود را بر تالیفات نیست بلکه ضد انقلاب و تحریف در کار است.  
 او را باید زیر کشید. ما چند سال تلاش کردیم که این جریان دست بالا را پیدا نکنند. تلاش  
 کردیم که از حکومت بیرون را از راه دور جوش او حاکم شده تلاش ما باید این باشد  
 که او را به زیر کشیم.

در برر نوشته در هر دو نظام امنیت که این نوشته تفاد هفتاد بین جریان می بیند که یکی خزان  
 لبط عدالت اقامه می و دیگری تقابل آن است. نوشته امنیت به گویا است جاری محسوب است  
 جریان راست هم در ارگان و هم در آن حکومت تسلط خفیه تری پیدا کرده که در این نوشته  
 منعکس است. از راه به نوشته از وضعیت نیرو در ارگان آبی تمسک حکومتی نادرست است  
 بلکه به ما باید ارکان نه تنها دست نیروی تریزه نیست بلکه اصل در کوب جناح ارتجاعی حاکم  
 است. ارگان در هم به همین ترتیب اگر تقابل در جاهای مختلف منتشران به آن تمسک بود  
 در آینده نزدیک به نفع این نیروی اقبال تغییر و جری در برود.